



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

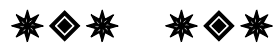
 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

" متن و ترجمه " درس ۶ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾ الروم : ۴۲
بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.



الدَّرْسُ السَّادِسُ : درس ششم ص ۶۰

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ : آثار جذاب

إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدَّوْلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ.

ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جذاب و آثار تاریخی و فرهنگی است .

وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ.

و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می کند.

شَهِدَتْ إِيْرَانُ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيرَةِ هُمُومًا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ .

ایران در سال های اخیر رشد قابل ملاحظه ای را در گردشگری شاهد بوده است .

فَهِیَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصَلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ.

ایران می تواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد .

يَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ.

برخی گردشگران ، ایران را کشوری عالی (ممتاز) برای گذراندن تعطیلات می بینند.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيلِ مَدَنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ .

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است .

لِأَنَّهَا تَجْذِبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

زیرا آن (ایران) بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می کند.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ .

از آثار و نشانه های تاریخی ایران :

مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا وَ مَرْقَدُ الْفَرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدِ .

مرقد امام رضا (ع) و آرامگاه فردوسی در مشهد .

وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ مَدِينَةِ قُمْ .

و مرقد بانو معصومه (ع) در شهر قم

وَ آثَارُ بَرْسَبُولِيسَ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مُحَافَظَةِ فَارِسَ :

و آثار پرسپولیس و مقبره های (دو آرامگاه) حافظ و سعدی در استان فارس .

وَ « طَاقِ بَسْتَانِ » وَ « كَتِيبَةِ بَيْسْتُونِ » فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانشَاهِ :

و طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه .

و قَلْعُهُ « فَلَكِ الْاَفْلَکِ » فِي حُرْمِ اَبَاد :

و قَلْعُهُ فَلَکِ الْاَفْلَکِ در خرم آباد .

و قَلْعُهُ الْوَالِی وَ غَابَاتُ الْبَلُوْطِ فِي اِيْلَام :

و قَلْعُهُ والی و جنگل های بلوط در ایلام .

و « حَمَامٌ كُنْجَعَلِي خَان » فِي مُحَافَظَةِ كَرْمَانَ الْمَشْهُورَةِ بِاِنْتَاْجِ الْفُسْتَقِ وَ السَّجَادِ : وَ حَمَامٌ كُنْجَعَلِي خَان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی (فرش) .

و سَلَّاتٌ شَوْشَرٌ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالٍ فِي خَوْزِسْتَان : وَ آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال پیامبر (ع) در خوزستان .

وَ مَرْقَدُ ابْنِ سَيْنَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ ، وَ كَهْفٌ عَلِي صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ اَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَان :

و مرقد (آرامگاه) ابن سینا دانشمند نامدار (مشهور) در جهان و غار علی صدر از بزرگ ترین (طولانی ترین) غارهای آبی جهان در همدان .

وَ الْعِمَارَاتُ الْاَثَرِيَّةُ فِي اِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدَّوْلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ :

و ساختمان های تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است

أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَهِيَ رَاضِعَةٌ بِمَنَظَرِهَا الْجَمِيلَةِ :

اما استان های شمالی سه گانه ، بر ساحل دریای قزوین (مازندران) به خاطر چشم اندازهای زیبایشان جالب اند.

وَ كَانَتْهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ : وَ گویا آنها تکه ای از بهشت و مناسب برای کارت پستال ها هستند.

لَا بُدَّ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذَبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ ، نَذْكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا : برای برشمردن مناطق دارای جاذبه

گردشگری در ایران ناگزیر به نوشتن کتابی بزرگ هستیم (به ناچار باید تالیف کرد) که بخش دیگری از آنها را ذکر می کنیم .

يَزِدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ . يَزِدُ وَ شِيرِينِي جَاتِ آن وَ مَنَاطِقُ كَوِيرِي اَش (صحرايي اش) .

و تبریز و سوفها المشهورة بانها أكبر سوقٍ مُسَقَّفَةٍ فِي الْعَالَمِ .

تبریز و بازار مشهورش که بزرگترین بازار سقف دار (سرپوشیده) در جهان است .

وَ بَحِيرَةُ زَرَبَارِ فِي مَرْيَوَانَ ، وَ قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةٍ فِي زَنْجَانَ .

و دریاچه زریبار در مریوان ، و گنبد سلطانیه در زنجان .

وَ مَتَحَفُ التَّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ ، وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْآخَرَى .

موزه میراث روستایی نزدیک رشت و هزاران منطقه دیگر .

فَتَنَوُعُ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُشَجِّعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَا جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ .

تنوع آثار ایران و برقراری امنیت در آن (استقرار وضعیت امن) ، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت

جذابش تشویق می کند .

" الْمُعْجَم " ص ۶۲

اَثَرِيّ : تاریخی	حَلَبٌ : جذاب	قَضَاءُ الْعُطَلَاتِ : گذراندن تعطیلات
	« مَعَالِمُ إِيرَانَ الْخَلَابَةُ : آثار جذابِ ایران »	
احتواء : دربرگرفتن	سَجَاد : فرش	كَهْف : غار « جمع : كهوف »
إحصاء : شمارش	سِيَاحَةٌ : جهانگردی ، گردشگری	لَا بُدَّ مِنْ : ناگزیر
أَطْوَلُ : بلندترین	شَاطِئُ : ساحل « جمع : شواطئ »	مَعَالِم : آثار
بَحِيرَةٌ : دریاچه	صَحْرَاوِيَّةٌ : کویری	مَلْحُوظٌ : قابل ملاحظه

کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس ششم محمد باقر بهروزی

رَائِع : جالب	مَنَاطِقُ الْجَذْبِ السِّيَاحِي : مناطق دارای جاذبه جهانگردی	بَرِيد : پست « بِطَاقَةِ بَرِيدِيَّة : کارت پستال »
رِيفِي : روستایی	نَظَرًا : نظر به	ثَرَاث : میراث
عُطْلَة : تعطیلی	نَفْط : نفت	تَسْجِيل : ثبت کردن
عِمَارَة : ساختمان	وَقَعَ : واقع شد ، اِتَّفَاقِ افتاد ، افتاد (مضارع : يَقَعُ)	تَقَافِيَّة : فرهنگی
فُسْتُق : پسته	يَدَوِيَّة : دستی	جَذَب : جذب کرد
قَائِمَة : لیست		حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد
قُبَّة : گنبد		حَلَوِيَّات : شیرینیجات

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖
" حول النص " ص ۶۲

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

ابْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَنْ جَوَابِ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

(۱) مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ ؟

ترجمه : اسم غاری که از طولانی ترین غارهای آبی جهان است چیست ؟

پاسخ : كهف علي صدر فی همدان .

(۲) مِمَّ تَسْتَطِيعُ إِيرَانُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَى ثَرَوَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ ؟

مِمَّ = مِنْ + مَا : از چه

ترجمه : ایران بعد از نفت از چه چیزی می تواند ثروت کسب کند ؟

پاسخ : مِنَ السِّيَاحَةِ

(۳) أَذْكَرُ عِمَارَةً مِنَ الْعِمَارَاتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ.

ترجمه : بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان را بیان کن .

پاسخ : جسر خواجه

(۴) أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ ؟

ترجمه : کدام صنعت ایرانی جهانگردان را از کل جهان جذب می کند ؟

پاسخ : صِنَاعَةُ السِّيَاحَةِ

(۵) أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي ؟

تَقَعُ : واقع است

ترجمه : قلعه والی در کجا واقع است ؟

پاسخ : فِي إِيلَام



" إَعْلَمُوا " إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ " ص ۶۳



اعراب به علامت انتهای کلمه گفته می شود و از ویژگی های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع اند : **مُعَرَّب** و **مَبْنِي**

علامت حرف آخر بیشتر اسم ها با تغییر جایگاهشان در جمله ، تغییر می کند که به آنها « مُعَرَّب » گفته می شود ؛ بیشتر اسم ها معرب اند ؛ مانند « اَللّٰهُ » در جمله های زیر :

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ وَاَللّٰهُ یَعْلَمُ مَا فِیْ قُلُوْبِكُمْ ﴾ الْاَحْزَاب : ۵۱

﴿ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ﴾ الْبَقَرَة : ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله ، علامت حرف آخرشان ثابت می ماند که « مَبْنِي » نامیده می شوند مانند ضمایر (أَنْتُمْ ، كُمْ ، ...) ؛ اسم اشاره (هَذَا ، ذَلِكَ ، ...) ؛ کلمات پرسشی (أَيْنَ ، مَنْ ، ...)

حالت های اعراب اسم : رَفْع ، نَصَب ، جَر

اعراب رفع و علامت آن « - ، ُ ، ٌ » ، وَن در جمع مذکر ، اِنْ در مثنی « است ؛

مانند اَلْكَاتِبُ ، كَاتِبٌ ، اَلْكَاتِبُوْنَ ، اَلْكَاتِبَانِ

اعراب نصب و علامت آن « - ، ِ ، ٍ » ، يَنْ در جمع مذکر ، يَنْ در مثنی « است ؛

مانند اَلْكَاتِبُ ، كَاتِبًا ، اَلْكَاتِبِيْنَ ، اَلْكَاتِبَيْنِ

اعراب جر و علامت آن « - ، ِ ، ٍ » ، يَنْ در جمع مذکر ، يَنْ در مثنی « است ؛

مانند اَلْكَاتِبُ ، كَاتِبٍ ، اَلْكَاتِبِيْنَ ، اَلْكَاتِبَيْنِ

کلمه دارای اعراب رفع را « مرفوع » ؛ دارای اعراب نصب را « منصوب » ؛ و دارای اعراب جر را « مجرور » می نامند.



" اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۶۴



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عِيْنُ اِعْرَابِ اَلْاَسْمَاءِ اَلْمُلَوَّنَةِ اَلْمَرْفُوعَةِ وَ اَلْمَنْصُوبَةِ وَ اَلْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ الطَّالِبُ الْمَجْدُ قَصِيْدَةً رَّائِعَةً.

ترجمه : دانش آموز کوشا قصیده جالبی خواند .

پاسخ : الطالب : فاعل و مرفوع / قَصِيْدَةً : مفعول و منصوب

۲- لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْاَثَارِ التَّارِيْخِيَّةِ.

ترجمه : چیزی بر روی آثار تاریخی ننویس.

پاسخ : التَّارِيْخِيَّةِ : صفت و مجرور .

۳- رَسَمَ الْاَوْلَادُ صُوْرَةً جَمِيْلَةً عَلَى رَمْلِ السَّاحِلِ. رَمَلٌ : ماسه

ترجمه : فرزندان تصویر زیبایی را بر روی شن ساحل کشیدند .

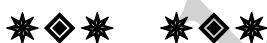
پاسخ : الأولادُ : فاعل و مرفوع / جميلةٌ : صفت و منصوب / الساحِلِ : مضاف الیه مجرور .



با نقش های فاعل ، مفعول ، مبتدا و خبر آشنا شدید . اکنون با اعراب این نقش ها آشنا شوید.
فاعل ، مبتدا و خبر ، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که یک اسم ظاهر باشند).

﴿ وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ ﴾ قالوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ ﴿ الْأَحْزَابُ : ۲۲

فاعل و مرفوع به واو / مفعول و منصوب به فتحه / فاعل و مرفوع به ضمه
مَرَّةُ الْعِلْمِ إِيْلَاصُ الْعَمَلِ . أمير المؤمنين علي
مبتدا و مرفوع به ضمه / خبر و مرفوع به ضمه



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۶۵



﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ﴾ : أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

۱- **مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ واقِفٌ** أَمَامَ الإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.

ترجمه : مدیر مدرسه مقابل صف صبحگاهی ایستاده است .

پاسخ : مُدِيرٌ : مبتدا / واقِفٌ : خبر

۲- **الْلَوْنُ الْبَنَفْسَجِي لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مَهْدِيٌّ** الْأَعْصَابِ.

ترجمه : رنگ بنفش برای اتاق خواب آرام بخش اعصاب است .

پاسخ : الَّلَوْنُ : مبتدا / مَهْدِيٌّ : خبر

۳- **لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.**

ترجمه : عاقل سخن کسی را که زیاد دروغ می گوید باور نمی کند .

پاسخ : العَاقِلُ : فاعل / قَوْلَ : مفعول



إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضاف الیه در پایه نهم آشنا شدید . صفت در اعراب تابع (پیرو) موصوف خودش است و اعراب مضاف الیه جرّ است (مضاف الیه مجرور است ؛ یعنی دارای علامت - ، - ، - ، ین یا ین است).

مبتدا ، خبر ، فاعل و مفعول می توانند بعد از خودشان صفت یا مضاف الیه داشته باشند؛

مثال :

اَللّٰهُنَّ الْاَبِيَّةُ ضُ لَوْنُ الْهُدُو.

مبتدا و مرفوع به ضمه / صفت و مرفوع به ضمه / خبر و مرفوع به ضمه / مضاف الیه و مجرور به کسره

فَحَصَّ الطَّبِيْبُ اُسْمَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيْرَ.

فعل / فاعل و مرفوع / مفعول و منصوب / مضاف الیه و مجرور / صفت و مجرور .

*** **

" اَخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ " ص ۶۶

*** **

اَخْتَبِرْ نَفْسَكَ :عَيْنَ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ اِلَيْهِ ، ثُمَّ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا.

۱- رِضَا اللّٰهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ . رَسُوْلُ اللّٰهِ

ترجمه : رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است .

پاسخ : اللّٰه : مضاف الیه مجرور به کسره / الْوَالِدَيْنِ : مضاف الیه مجرور به (ی)

۲- سَكُوْتُ الْلِّسَانِ سَلَامَةٌ الْاِنْسَانِ . اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ

ترجمه : سکوت زبان (موجب) سلامتی انسان است .

پاسخ : اللِّسَانِ : مضاف الیه مجرور به کسره / الْاِنْسَانِ : مضاف الیه مجرور به کسره .

۳- يَكْذِبُ الْاِنْسَانُ الضَّعِيْفُ وَ يَصْدُقُ الْاِنْسَانُ الْقَوِيَّ.

ترجمه : انسان ضعیف دروغ می گوید و انسان قوی راست می گوید .

پاسخ : الضَّعِيْفُ : صفت و مرفوع به ضمه / الْقَوِيَّ : صفت و مرفوع به ضمه.

۴- اَلطَّالِبُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِيْنَ.

ترجمه : دانش آموزان مودب نزد معلمان قابل احترام هستند .

پاسخ : الْمُؤَدَّبُونَ : صفت و مرفوع به (و) / الْمُعَلِّمِيْنَ : مضاف الیه مجرور به (ی)

۵- اَلشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ .

ترجمه : ملت دانا ملتی موفق هستند .

پاسخ : الْعَالِمُ : صفت مرفوع به ضمه / نَاجِحٌ : صفت مرفوع به تنوین رفع.

" حوار " ص ۶۷



(فِي الصَّيْدَلِيَّةِ)

در داروخانه

الحاج : حاجی	الصَّيْدَلِي : دارو فروش
عَفْوَاً ، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ : ببخشید ، نسخه ای ندارم	أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ : برگ را به من دهید (بده)
وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ : و این داروهای نوشته شده بر روی برگ را می خواهم .	محرار ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصَّدَاعِ ، حُبُوبٌ مُهْدِّئَةٌ ، كَبْسُولُ أَمْبِيسِيلِين ، قُطْنٌ طَبِّی ، مَرَهَمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ...
	دماسنج ، باند (زخم) ، قرص های مُسَكِّن سردرد ، قرص های آرام بخش ، کپسول آمپی سیلین ، پنبه طَبِّی ، پماد برای حساسیت پوست
	لَا بَأْسَ ، لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِين . هیچ عیبی ندارد (اشکالی ندارد) ، ولی آمپی سیلین به شما نمی دهم .
لِمَاذَا ، أَمَا عِنْدَكُمْ ؟ چرا ؟ آیا ندارید ؟	لَا ؛ عِنْدَنَا ، وَلَكِنْ بَيْعُهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوح . نه ، داریم ، ولی فروش آن بدون نسخه ، غیرمجاز است (مجاز نیست) .
شُكْرًا جَزِيلًا ، يَا حَضْرَةَ الصَّيْدَلِي : خیلی ممنون ، آقای دارو فروش (دکتر)	لَمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ ؟ برای چه کسی این داروها می خرید (می خری) ؟
أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ : برای همراهانم در کاروان می خرم .	الْشَّفَاءُ مِنَ اللَّهِ : درمان از جانب خداست .



محرار : دماسنج

أَدْوِيَّة : داروها « مفرد : دواء »

صَيْدَلِي : داروخانه دار

صَيْدَلِيَّة : داروخانه

جلد : پوست

قُطْن : پنبه



" التَّمارين ۱ " ص ۶۸



۱- التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱- آلهَ لِلإِطْلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَالْجَوِّ

ترجمه : ابزاری است برای آگاه شدن از دمای بدن و هوا .

پاسخ : محرار : دماسنج

۲- يَوْمُ الْإِسْتِرَاحَةِ لِلْمُوظَّفِينَ وَالْعُمَلِ وَالطُّلَّابِ .

ترجمه : روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش آموزان .

پاسخ : العُطلة : تعطیلی

۳- مِنْطَقَةُ بَرِّيَّةٍ بِجَوَارِ الْبَحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.....

ترجمه : منطقه خشک کنار دریاها و اقیانوس ها .

پاسخ : شاطئ : ساحل

۴- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَائِلِ وَاسْتِلَامِهَا .

ترجمه : اداره ای برای تحویل دادن نامه ها و دریافت آنها .

پاسخ : البريد : اداره پست

۵- نَبَاتٌ يُعْطِي ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ .

ترجمه : گیاهی است که ثمره سفید رنگ می دهد.

پاسخ : القُطْن : پنبه

۶- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

ترجمه : مکانی برای فروش دارو .

پاسخ : الصَّيْدَلِيَّة : داروخانه



" التمارين ۲ " ص ۶۸



الْتَّمَرِينَ الثَّانِي : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ الثَّالِيَةِ. « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

ثُرَاتٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِي / الرَّيْفِ / الْحَلَوِيَّاتُ

۱- كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى. كَانَ لِ : داشت

ترجمه : دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.

پاسخ : جِلْدِيٌّ

۲- قَرَأْتُ قَصِيدَةً لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.

ترجمه : قصیده ای جالب از ملک الشعراء احمد شوقی خواندم .

پاسخ : رائعة

۳- جَلَسْنَا تَحْتَ شاه شاغ في مَدِينَةِ شيراز.

ترجمه : زیر گنبد شاه چراغ در شیراز نشستیم .

پاسخ : قُبَّة

۴- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ في إيران.

ترجمه : همانا کردستان از مناطق جذب گردشگری در ایران هست .

پاسخ : السَّيَّاحِي

۵- أَلْعَيْشُ فِي جَمِيلٌ جَدًّا.

ترجمه : زندگی در روستا بسیار زیباست.

پاسخ : الرَّيْفِ



" التمارين ۳ " ص ۶۹



الَّتَمَرِينُ الثَّالِثُ : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

۱) رَأَيْنَا مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمَتْحَفِ. ☐ سَائِحَانِ ☒ سَائِحِينَ

ترجمه : دو گردشگر از آمریکای مرکزی (میان) را در موزه دیدم .

۲) سَاعَدَتِ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ. ☐ الْمَمْرُضَتَيْنِ ☒ الْمَمْرُضَتَانِ

ترجمه : دو پرستار به زنی که با ماشین تصادف کرده بود ، کمک کردند.

۳) حُزْنٌ فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ . الْمُؤْمِنُونَ ☐ الْمُؤْمِنِينَ ☒

ترجمه : اندوه مؤمنان در قلب هایشان هست نه در چهره های آنها .

۴) وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى. الشَّرْطِيَّانِ ☐ الشَّرْطِيَّانِ ☒

ترجمه : پلیس ها در ابتدای میدان اولی ایستادند.

۵) حَاضِرُونَ فِي مِهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. الْمُعَلِّمُونَ ☐ الْمُعَلِّمِينَ ☒

ترجمه : معلم ها در جشنواره مدرسه حاضر هستند.

۶) نَزَلَ مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرْبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ ☐ الطَّيَّارِينَ ☒

ترجمه : خلبانان از هواپیماهای جنگی شان پیاده شدند.



" التمارین ۴ " ص ۶۹



الْتَمَرِینُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْمُعْرَبَةِ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَوَاعِدِ.

۱- سَعِيدٌ ☐ كَيْفَ ☒ كِتَابٍ ☐ وَرَدَةٌ ☐

توضیح: گزینه ۱: دارای اشکال است و در این گزینه استثنا مبنی را پیدا کنید.

۲- هَذَا ☐ هَؤُلَاءِ ☐ اللَّهُ ☒ ذَلِكَ ☐

۳- هِيَ ☐ أَنْتِ ☐ نَحْنُ ☐ صَحِيفَةٌ ☒

۴- ☒ بَرِيدٍ ☐ أَوْلَئِكَ ☐ تِلْكَ ☐ هَذِهِ ☐

۵- هَلْ ☐ ☒ فَسْتُقِ ☐ أَيْنَ ☐ مَتَى ☐



" التمارین ۵ " ص ۷۰



الْتَمَرِینُ الْخَامِسُ : أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

۱- هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ الْرَّحْمَنُ : ۶۰

ترجمه: آیا پاداش نیکی به جز نیکی است؟

پاسخ: الإحسان: مضاف الیه و مجرور به کسره.

۲- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند.

پاسخ: الناس: مضاف الیه و مجرور به کسره / الناس: مفعول و منصوب به فتحه.

۳- أَلَدَّهْرٍ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ

ترجمه: روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو.

پاسخ: يومان: خبر و مرفوع به (الف)

۴- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ قَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ

ترجمه: زیبایی علم گسترش آن است و نتیجه اش (میوه اش) عمل کردن به آن است.

پاسخ : نشر : خبر و مرفوع به ضمه / ثمره : مبتدا و مرفوع به ضمه .

۶- اسْتَخْرَجَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

ترجمه : کشاورزان آبی از چاه روستا استخراج کردند .

پاسخ : الفلاحون : فاعل و مرفوع به (و) / ماء : مفعول به و منصوب به تنوین نصب.

۷- أَلْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

ترجمه : عقل سالم در بدن سالم است .

پاسخ : السليم : صفت و مرفوع به ضمه.

